



کارگران جهان همبسته شوید

گاهنامه

* شماره 146 * 15 دیماه 1388 * 5 ژانویه 2010

مصاحبه بهروز خباز با رادیو ندا: اعتصاب، واکنش طبیعی کارگران در برابر خانه خرابی است

که مسئله جنبش کارگری مسئله یک کشور نیست و به هر حال طبقه کارگر جهانی در مقابله با زیاده خواهی های حکومت ها و در تقابل با سرمایه داری جهانی حتماً و حتماً به شکل و همبستگی نیاز دارد.

بهروز خباز در پاسخ به این پرسش که بطور مشخص کدام اقدامات را در حمایت از کارگران مفید و موثر میدانند، با اشاره به موثر بودن هر اقدام حمایتی و قدر دانی از تمامی اقدامات صورت گرفته کنونی در جای جای دنیا، گفت: اگر بدنال راهی هستیم که تاثیر ملموس و موثری داشته باشیم در تغییر سیاست های دولتمردان ایران نسبت به فعالین کارگری و فعالین اجتماعی، زنان، دانشجویان، بنظر می رسد که آن تغییر و تاثیر از کانال عملکرد موثر تشکل های کارگری دیگر کشورها و واکنش کارگران عضو تشکل های کارگری در کشورها ئی که ارتباط اقتصادی با ایران دارند، است. این عضو "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" با اشاره به مطالبات کارگران در قطعنامه اول ماه مه ۱۳۸۸ از جمله: "برخورداری از حق اعتصاب و ایجاد تشکل های توده ای و مستقل کارگران، افزایش دستمزدها متناسب با حداقل های یک زندگی انسانی، برخورداری از مزایای تأمین اجتماعی و انواع بیمه های همگانی، پرداخت فوری حقوق های معوقه کارگران، برابری کامل میان مردان و زنان در همه ی شئون اجتماعی، از جمله کار و تولید، برخورداری از حقوق و آزادی های سیاسی و دموکراتیک مانند آزادی اندیشه و بیان، آزادی طبع و نشر، آزادی اجتماعات و راهپیمائی و تظاهرات، آزادی زندانیان سیاسی، به ویژه کارگران زندانی،" خاطر نشان کرد که این مطالبات در سالهای پیش هم مطرح بوده است و صرفاً خواست ویژه اول ماه مه سال 1388 نیست. این فعال کارگری با اشاره به اینکه از دید حکومت کنندگان حرکت های کارگری بر هم زنده امنیت اجتماعی است، یاد آور شد: ما کارگران برهم زنده امنیت اجتماعی نیستیم. البته اگر منظورشان امنیت صاحبان سرمایه باشد که خون کارگران را به شیشه کرده اند؛ من معتقدم که این امنیت بهم می خورد. برای اینکه این نمی شود

رادیو ندا: بهروز خباز از اعضای "کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری" در گفتگو با رادیو ندا پیرامون بیانیه پنج تشکل کارگری با عنوان "جنبش کارگری با تهدید و ارعاب از ادامه ی مبارزه باز نخواهد ماند" گفت: بعد از دستگیری ها ئی که در اول ماه مه ۱۳۸۸ در پارک لاله صورت گرفت، اخیراً احضاریه هائی برای همین دستگیر شدگان که به قید وثیقه و کفالت آزاد شده بودند فرستاده شده که تعدادی تبرئه شده اند ولی تعدادی در شرف این هستند که محکوم بشوند که از جمله آقای محمد اشرفی به یکسال زندان محکوم شده اند. در واکنش به این حرکت ضد کارگری، جمع امضاکنندگان بیانیه پنج تشکل کارگری تصمیم گرفتند که حرکتی را در راستای مطالباتی که در قطعنامه ای که در اول ماه مه ۱۳۸۸ به تصویب بسیاری از گروههای دیگر و فعالین کارگری رسیده بود برای اعتراضات به محاکمات و احضاریه هاسورت دهند.

خباز با اشاره به وضعیت فعلی کشور، ادامه دستگیری ها، سرکوب ها و محاکمات را محتمل دانست و به رادیو ندا گفت: "ما الان شاهد هستیم که در روز روشن کسانی را صرفاً بواسطه فعال کارگری بودن به اتهام حضور در حرکتی که اصلاً در آن نبودند در خیابان دستگیر میکنند. مثلاً آقای پدرام نصرالهی و آقای فرزاد احمدی. این نشان میدهد که فعالین کارگری و فعالین اجتماعی دیگر آن حداقل امنیتی که داشتند ندارند و همان حداقل را هم بمرور از دست میدهند. حالا ما شاهد هستیم که فعالین کارگری مثل آقای علی نجاتی و دیگران، ضمن اینکه بواسطه دفاعی که از هم طبقه ای هایشان میکنند برایشان حکم زندان بریده میشود، پیشاپیش از کار هم اخراج میشوند. بنظر این بیانیه در حال حاضر یک حداقلی میتواند باشد در واکنش به این دستگیری ها و سرکوبها که بطور فزاینده ای در حال رشد است. وی در بخش دیگری از سخنان خود خاطر نشان کرد: در جامعه ما این انتظار وجود دارد که کمیته ها و تشکل های مستقل کارگری به نحوی از انحاء و به هر شکل ممکن به این سرکوب ها پاسخ بدهند. و در کنار آن انتظار می رود که تشکل ها و فعالین کارگری در دیگر کشورها هم به این امر توجه ویژه داشته باشند. چرا

که این آقایان بیش از پیش به سفره خالی کارگران حمله بکنند و ما نسبت به این تهاجم به شکل درست واکنش نشان ندهیم. او در قسمت دیگری از سخنان خود خاطر نشان کرد: برگزاری اول ماه مه حق مسلم و طبیعی کارگران است و دولت ها نمی توانند به زور سرکوب و اسلحه این حق را از کارگران سلب کنند.

آقای خباز در پایان گفت: ما هر روز شاهد آن هستیم که اعتصابات کارگری در اینجا و آنجا صورت میگیرد و این اعتراضات هم به حق و هم بدیهی و طبیعی است. برای اینکه کارگر کارخانه شاهد این است

که این آقایان بیش از پیش به سفره خالی کارگران حمله بکنند و ما نسبت به این تهاجم به شکل درست واکنش نشان ندهیم. او در قسمت دیگری از سخنان خود خاطر نشان کرد: برگزاری اول ماه مه حق مسلم و طبیعی کارگران است و دولت ها نمی توانند به زور سرکوب و اسلحه این حق را از کارگران سلب کنند.

آقای خباز در پایان گفت: ما هر روز شاهد آن هستیم که اعتصابات کارگری در اینجا و آنجا صورت میگیرد و این اعتراضات هم به حق و هم بدیهی و طبیعی است. برای اینکه کارگر کارخانه شاهد این است

کمیته هماهنگی

درد دلی با سه خانواده ی کارگر زندانی هفت تپه

بلافاصله طی "بیانیه ای، نکاتی را به اطلاع عموم رساندند" حاکمی از این که: "بعد از گذشت دو سال از تلاش های کارگران هفت تپه (از جمله همسران این عزیزان) که منجر به زندانی شدن آنان شده است" (چرا و به چه دلیل؟ چگونه است که تلاش های کارگران، آن هم برای رسیدن به ابتدایی ترین خواست ها و مطالبات خویش، بعد از گذشت دو سال، منجر به اخراج از کار و زندانی شدن آنان می شود؟) "دیگر طاقت تحمل مشکلاتی بیشتر از این را ندارند". . . و . . .

احیاناً برای خاتمه دادن به این "مشکلات" - و شاید هم ایجاد شرایط مساعد برای اعطای مرخصی و دمیدن رحم و شفقت در دل های همچون سنگ قاضی دادگاه!!! - ضمن برائت از به اصطلاح "حرکت فردی رئیس هیئت مدیره سندیکا در اعلام یک شماره حساب، برای جذب کمک های مالی کارگران هفت تپه، اعلام می کنند که از این پس هیچگونه مسئولیتی در قبال حساب نامبرده نداشته و هیچگونه کمک مالی را از این طریق دریافت نمی کنند". و تو خود حدیث مفصل بخوان از این مجمل!

*

ببینیم که داستان از چه قرار بوده و چگونه به این جا و در واقع تنظیم این "بیانیه" منجر شده است و "بیانیه" مورد نظر - به ویژه در شرایط حساس کنونی - از کارگران و "نهادها و افراد بی شمار حامی تلاش های کارگران هفت تپه و نمایندگان زندانی آنان"، چه می خواهد - و آگاهانه یا نا آگاهانه (البته ما به مصداق ضرب المثل معروف "ان شاء الله که گربه است"، ترجیح می دهیم که شأن نزول این "بیانیه" و اهداف تفرقه افکنانه ای را که تعقیب می کند، صرفاً به حساب بی اطلاعی، عدم آگاهی برخی از این خانواده های

طی روز های اخیر، بیانیه ای از جانب "سه خانواده کارگر زندانی هفت تپه" (خانواده های آقایان فریدون نیکوفرد، رمضان علیپور و محمد حیدری مهر) "در خصوص مشکلات بوجود آمده، با عنوان حمایت های مالی"!!! انتشار یافته است که ظاهراً از "جذب کمک های مالی، برای این نمایندگان زندانی" - که به شکل شفاف و آشکاری، از سوی طیف های گسترده ای از کارگران و فعالین کارگری، جمع آوری و به شماره حساب اعلام شده از جانب رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکرهفت تپه (آقای علی نجاتی) ارسال می شود - گله مند بوده و این کمک ها را موجب "مشکلات بیشتر" برای خود و "محروم شدن شان، از فرصت های قانونی اعطای مرخصی برای همسرانشان، البته با توجه به ادعا و بنا به گفته قاضی پرونده" دانسته اند.!!!!

این سه خانواده محترم، در بیانیه خویش تأکید کرده اند که: "وقتی . . . برای پیگیری پرونده، به دادگاه مراجعه کردند، تا شاید مقدمات اعطای مرخصی برای همسرانشان فراهم کنند، با کمال تعجب، (!!!؟) قاضی پرونده به آنان گفت: (چون) "شماره حسابی از طرف رئیس هیئت مدیره سندیکا در سایت های اینترنتی، برای جذب کمک های مالی اعلام شده است. !!! و قبلاً هم گروه های معاند جمهوری اسلامی به شما کمک کردند"، (!!!؟)"

به همین دلیل، تا آخرین روز حکم، با مرخصی همسرانتان موافقت نخواهد کرد." و لذا این سه خانواده محترم که "با هزار امید نزد قاضی رفته بودند تا شاید بتوانند مقدمات اعطای مرخصی برای همسرانشان را فراهم کنند" و "تسکینی بر دردهایشان بگذارند"!!!؟ ناامید به خانه های خود بازگشتند و

مهران حیدری مهر، جلیل احمدی و رمضان علیپور) را تنها به جرم دفاع از خواست ها و مطالبات برحق کارگران، از جمله ایجاد سندیکای کارگران این شرکت، روانه زندان نموده و به خانواده های این زندانیان نیز که برای پیگیری پرونده و گرفتن چند روز مرخصی به دادگاه مراجعه می کنند، با پاسخی بسیار حساب شده، دایر بر اینکه: چون " شماره حسابی از طرف رئیس هیئت مدیره سندیکا، برای جذب کمک های مالی، در سایت های اینترنتی اعلام شده است " و چون (این دیگر خیلی جالب و شنیدنی است) " قبلاً هم گروه های معاند جمهوری اسلامی به شما کمک کرده اند " پس جناب ایشان با مرخصی همسران سه خانواده از خانواده های کارگران زندانی موافقت نکرده و " به همین دلیل !!! باید تا آخرین روز حکم، در زندان بمانند و بقیه ماجرا .

✱

و اما تأسف بار اینکه خانواده های این سه زندانی (اعضای خانواده های آقایان علی نجاتی و جلیل احمدی این بیانیه را امضا نکرده اند) به جای اینکه خشم خویش را نثار این همه ظلم و بی عدالتی بنمایند و در مخالفت با باج خواهی قاضی دادگاه — و البته فریبکاری او در این رابطه — به افشای همه جانبه و گسترده این حرکت دست بزنند؛ به جای اینکه با علی نجاتی و دیگر نمایندگان کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، در تقویت روحیه همبستگی طبقاتی کارگران، همسو و هماهنگ شوند و طی بیانیه ای وحدت طلبانه، از کارگران و فعالان کارگری بخواهند که در راستای اتحاد طبقاتی کارگران، از هر نظر، به یاری کارگران زندانی بشتابند و بر میزان کمک های خویش، تا زمان آزادی آن عزیزان بیفزایند؛ و سرانجام، به جای اینکه ادعاها و تحکم های قاضی دادگاه را در ردیف همان فشارها و تزییقات وارده بر کارگران و در یک کلام، مبارزه ای قلمداد نمایند که لااقل برای مدت سه سال است که به شکل آشکاری در هفت تپه، میان صاحبان سرمایه و حامیان آنان از یک سو و کارگران، از سوی دیگر جریان دارد و... تحت تأثیر القانات قاضی دادگاه، طی " تصمیمی عجیب و " بیانیه " ای مایوس کننده و تفرقه برانگیز، از کمک های کارگران و فعالان کارگری برائت می جویند و اقدام آگاهانه و انقلابی رئیس هیئت مدیره کارگران نیشکر هفت تپه (آقای علی نجاتی) را به زیر سؤال می برند و آن را " حرکتی فردی " قلمداد می کنند .

علی نجاتی مگر چه کرده و چه گفته است که قاضی پرونده، آشکارا در جهت ایجاد تفرقه در میان کارگران و نمایندگان آنان، عملکرد ایشان را گروگان لغو مرخصی چند روزه کارگران زندانی قرار می دهد و شمارا به خاطر آن اقدام، آن طور که می گویند " از یک فرصت قانونی استفاده از مرخصی برای همسرانتان " محروم می کند؟

گرامی، از کم و کیف بسیاری از جریانات و ماهیت فریبکارانه پاره ای اشخاص، از جمله قاضی پرونده و اساساً ساز و کار مبارزه طبقاتی و پیچیدگی های آن بدانیم (آب به آسیاب کدام جریانات و عوامل می ریزد و چه طبقات و اشخاصی را خشنود و راضی می کند .

و اما شرح مختصر ماجرا، تا به اینجا :

داستان از این قرار است که : بیش از 3500 کارگر و پرسنل شرکت نیشکر هفت تپه، که در شرایطی بسیار سخت و طاقت فرسا، به تولید شکر از نیشکر اشتغال داشتند و به شدیدترین شکل ممکن استثمار می شدند، به ناگهان — و البته در راستای حرص و ولع سیری ناپذیر صاحبان سرمایه و حامیان و عوامل آنان، که در پی وارد کردن شکر از خارج، سود های هنگفت و افسانه ای به جیب می زدند — دچار معضل شده و در معرض انواع بلایا و مشکلات، از جمله فروش زمین های شرکت و در واقع به تاراج بردن آن ها، تعطیلی کارخانه، بیکار سازی و اخراج های دستجمعی کارگران، به تعویق انداختن دستمزدها و مزایای کارگران و عدم پرداخت آن ها برای ماه های متمادی و انواع و اقسام فشارها و تزییقات قرار می گیرند و می روند تا به کلی از هستی ساقط گردند .

کارگران (و نمایندگان آنان از جمله همسران همین سه خانواده) اما به حکم شرایط زندگی و معیشت خویش، خاموش ننشسته و در طول بیش از سه سال مبارزه و جانفشانی و خلق قهرمانی های بسیار (که صرفاً به عنوان نمونه می توان به اعتصاب 42 روزه کارگران این شرکت، برای دریافت دستمزد های معوقه و پایان دادن به احضار های مکرر کارگران یاد کرد) ضمن دفاع از خواست ها و مطالبات خویش، در مقابل فشارها و تهاجمات سرمایه و عوامل ریز و درشت آن، در بسیاری از موارد، حتی خواست ها و مطالبات خود را به کارفرمایان و حامیان آنان تحمیل نموده اند . کارگران این شرکت حتی پا را از این هم فراتر گذاشته و طی مبارزه ای جانانه، به امر خطیر تشکل یابی مستقل و توده ای کارگران جامعه عمل پوشانده و رو در رو با عوامل سرمایه و در حالی که به شدت و به دفعات از جانب آن عوامل تهدید می شدند، تشکل خود (سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه) را ایجاد نمودند و ...

صاحبان سرمایه و عوامل و حامیان آنان (از جمله قاضی دادگاه این عزیزان) اما بیکار ننشسته و در طول این مدت، هیچگاه از تهدید کارگران و نمایندگان منتخب آنان دست نکشیدند تا اینکه سرانجام و پس از احضارهای مکرر و تهدید های فراوان (که خود این خانواده ها، بهتر از هر کس در جریان این اذیت و آزارها قرار دارند) پنج تن از نمایندگان کارگران این شرکت (آقایان علی نجاتی، فریدون نیکوفرد

مسلم خویش ، در زندان بسر می برند ، بی خبر بمانند و نسبت به مصائب و مشکلاتشان حساس نباشند ؟ پنج نفر از نمایندگان منتخب کارگران شرکت نیشکر هفت تپه ، پس از چند سال تلاش و مبارزه و تحمل سختی ها و مشکلات فراوان — که شما خانواده های محترم ، بهتر از هر کس آن را درک می کنید و اتفاقاً در بیانیه تان ، به آن ها اشاره کرده اید — تنها به خاطر دفاع از خواست ها و مطالبات کارگران ، از جمله افزایش حقوق و مزایای آنان ؛ پرداخت دستمزدهای معوقه کارگران و لغو قرار داد های موقت و اسارت بار کار ؛ ایجاد سندیکای کارگران این شرکت و جلوگیری از تعطیلی کارخانه و به تبع آن جلوگیری از اخراج ها و بیکار سازی های گسترده کارگران ؛ جلوگیری از فروش زمین های شرکت و هزار مشکل و معضل دیگر که یکی پس از دیگری از جانب کارفرمایان و گماشتگان این طبقه ، به سوی کارگران حواله می شد ، سرانجام توسط " دستگاه قضایی " و قاضی پرونده مورد نظر محاکمه و به اخراج از کار و زندان محکوم می شوند . این واقعه ، به سهم خود ، دل های بسیاری از کارگران و فعالین دلسوز کارگری و طیف گسترده ای از انسان های آزاده و عدالت طلب را در ایران و سرتاسر جهان به درد آورده و جنبش کارگری را سخت تحت تأثیر قرار داده است . کارگران آگاه و فعالان کارگری چگونه می توانند دست روی دست بگذارند و آرام و بی تفاوت از کنار همه این مسائل گذر کنند ؟ چگونه که انگار هیچ اتفاقی در جنبش کارگری روی نداده و هیچ مشکلی بوجود نیامده است ؟ جنبش کارگری و به ویژه کارگران و فعالان آگاه و دلسوز آن ، می بایست در یک چنین مواقعی ، بیش از هر زمان دیگر به فکر یکدیگر باشند و نسبت به مصائب و مشکلات همدیگر حساسیت نشان دهند . دستگیری و زندان نمایندگان کارگران نیشکر هفت تپه اتفاقاً توجه بخش های وسیعی از کارگران و انسان های آزاده و عدالت طلب را به خود معطوف کرد و نامه پر بار آقای نجاتی و اعلام یک شماره حساب جهت حمایت مالی کارگران از هم طبقه ای های زندانی خود در هفت تپه ، صرفاً به این حساسیت ها و روحیه همدلی و رفاقت ، شور و حالی مضاعف بخشید و این نوع حمایت ها را گسترش داد .

در واقع بعد از انتشار نامه آقای نجاتی و فراخوان مالی او ، از طریق اعلام آن شماره حساب بود که کارگران بسیاری از کارخانه ها و شرکت ها و همچنین کارگران و فعالین متشکل در برخی از تشکل ها و " کمیته ها " ، از جمله " کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری " ، " اتحادیه آزاد کارگران " ، " کمیته پیگیری تشکل های آزاد کارگران " و برخی دیگر از تشکل ها و نهاد های کارگری به همراه تعداد زیادی از انسان های شریف و آزاده در سرتاسر دنیا ، بر اساس وظیفه انسانی و طبقاتی خویش ، هر یک به تناسب توان ، برای حمایت از کارگران زندانی هفت تپه بپا خاستند و

آقای نجاتی در نامه خود ، در رابطه با همین مسئله می نویسد : بر طبق " آخرین تماس و توافقی که با آن دو نفر (پیش از آنکه به زندان فرستاده شوند) و دیگر همکارانم انجام شد ، قرار بر این می شود که شماره حسابی به نام این جانب اعلام شود ، تا کمک های مالی ارسالی از سوی کارگران ، به آن واریز گردد و از این طریق مبالغ کمک شده به خانواده های این پنج کارگر پرداخت شود . " این کار صورت می گیرد و شماره حسابی نیز در این رابطه اعلام می شود . همین و بس . به چه علت این کار مشکل آفرین می باشد ، تا آنجا که " دیگر طاقت تحمل را از شما ربوده است ؟ به دلیل اینکه جناب قاضی ، آن عمل را " به بهانه یک حرکت فردی " مورد نکوهش قرار داده و به این بهانه ، شما را از یک فرصت قانونی برای دیدار با همسرانتان محروم کرده است ؟ در این صورت آیا نباید طی " بیانیه " ای ، عمل نکوهش برانگیز قاضی دادگاه را در نزد کارگران و همه انسان های آزاده و عدالت جو افشا نمود ؟

آقای نجاتی ، البته هدف از این کار را ، همانا ترویج و اشاعه روحیه وحدت و همبستگی طبقاتی در بین کارگران و گسترش حس رفاقت و برادری در میان آحاد این طبقه ، در کنار استفاده از کمک های مالی هم طبقه ای های خویش ، برای گذران زندگی و ادامه مبارزه قلمداد می کند و با توجه به تجربه شخصی خود ، در طول هشت ماهی که از کار اخراج شده است می نویسد : " در مدت هشت ماهی که من را از کار اخراج کرده بودند ، کم نبودند کارگرانی که علاوه بر حمایت های روحی خود ، در حد توانشان کمک های مادی کردند . این کمک ها اگر چه بسیار کم تر از حقوق دریافتی سابق من بود ، اما برای من از هزاران هزار کمک دیگر با ارزش تر بود زیرا نشان از آن داشت که کارگران به درستی می دانند که من و دیگر همکاران شان برای دفاع از حقوق آنان تلاش می کرده ایم . لذا به همین خاطر ، من بنا بر اعتقادم ، تنها کمکی که دریافت کردم ، کمک از کارگران بود . البته مبلغ آن اگر چه کم تر از حدی بود که حتی سطح زندگی سابق مرا حفظ کند ، اما بسیار با ارزش بود . این کمک ها به جای هر نهاد و مکان و کسان دیگری ، مرا مدیون همکاران کارگر من می کرد " و به دنبال آن اضافه می کند : " امیدوارم که این امر همچنان به شکل یک سنت کارگری ، در میان دیگر کارگران رواج پیدا کند " .

کجای این کار ایراد دارد ؟ و چرا باید از آن اجتناب کرد ؟ — همان طور که آقای نجاتی نیز در نامه خود تأکید کرده است — کارگران چرا باید از درد های دیگر هم طبقه ای های خود ، آن هم درست در شرایطی که تعدادی از آنان تنها به جرم دفاع از حقوق انسانی و

شده است تا به خود بپیچند و چنین عکس العمل هایی از خود بروز دهند ، همانا ادامه مبارزه کارگران و اتحاد و همبستگی ای است که همچنان ، میان کارگران این شرکت و نمایندگان آنان وجود دارد و به ویژه با نامه آقای نجاتی و تأکیدی که بر روی این مسئله مهم داشته اند — پرننگ تر و چشم گیرتر نیز شده است . قصه " اعلام شماره حساب یادشده از جانب رئیس هیئت مدیره سندیکا " و خشم و کینه قاضی دادگاه ، نسبت به این مسئله را ، تنها می توان در این رابطه ارزیابی نمود و توضیح داد .

آقای نجاتی ، با انتشار این نامه و اعلام این شماره حساب ، که در واقع برای حمایت های مالی کارگران از هم طبقه ای های زندانی خویش در هفت تپه طرح شده اند ، از یک سو بر شفافیت و سلامت جنبش کارگری ، تأکید می ورزد و از سوی دیگر — به ویژه در شرایط حساس کنونی — بر مهم ترین و کلیدی ترین مسئله جنبش کارگری ، یعنی مسئله وحدت و همبستگی طبقاتی کارگران ، انگشت می گذارد و تلاش می کند تا در حد توان و بضاعت خویش به این امر خطیر یاری رساند . او از " هر کس و هر نهادی در هر مکانی " ، بدون اینکه معلوم باشد که سر و ته این کمک ها و این قضایا به کجا وصلند و آبشخورشان از کجاست ، کمک نمی خواهد . آقای نجاتی اعلام می کند : " ما می خواهیم که به جای هر کمک مالی ، از هر طریق ، فقط و فقط از حمایت های کارگری برخوردار شویم . " . این کمک ها به جای هر نهاد و مکان و کسان دیگری ، مرا مدیون همکاران کارگر من می کند و ... " . در واقع این هاست که قاضی دادگاه را خشمگین نموده و به باج خواهی در قبال این مسئله واداشته است و آیا طبیعی نیست که همه کسانی که به نحوی از انحا رو در روی این طبقه و این جنبش ایستاده اند — از جمله قاضی پرونده مورد نظر — از این همه هشیاری و درایت ناخشنود و غضبناک شوند ؟ و آن را دست آویزی برای عدم موافقت خود با احیاناً چند روز مرخصی کارگران زندانی قرار دهند ؟

گرامیان ! شما که نمی خواهید وحدت و همبستگی کارگران ، آن گونه که صاحبان سرمایه و عوامل آنان طلب می کنند ، وجه المصلحتاً صرفاً چند روز مرخصی و مسائلی از این قبیل قرار گیرد و مخدوش و یا احیاناً پایمال شود .

آقای علی نجاتی ، درست در آستانه دستگیری ، در مقام دادخواهی از طبقه کارگر و در راستای افشای " دستگاه قضایی " و محاکمی که کارگران را صرفاً به جرم حق خواهی و دفاع از حقوق مسلم خویش ، دستگیر و زندانی می کنند و به اخراج از کار محکوم می نمایند ، در

حتی در پاره ای از موارد — از جمله در سندج — با مشکل دستگیری و زندان مواجه گشتند که در نهایت با قرار وثیقه آزاد شدند .

آیا انتظار شما، در یک چنین شرایطی ، این است که کارگران از حمایت های خویش ، از هم طبقه ای های خود دست بردارند و کمک های مالی خود را — اگر چه ناچیز — به خاطر خوش آمد جناب قاضی و احتمالاً رفع مشکل " مرخصی ، از کارگران زندانی " قطع نمایند ؟

نه عزیزان ! شما اشتباه می کنید اگر فکر می کنید که مشکل پیش آمده — آن گونه که قاضی پرونده به نادرست جلوه می دهد — صرفاً ناشی از شماره حساب اعلام شده توسط رئیس هیئت مدیره سندیکای کارگران و " حرکت فردی ایشان " می باشد . واضح است که قاضی پرونده می خواهد میان کارگران اختلاف و دودستگی بیندازد . چرا که این مسئله تازگی ندارد و اولین بار نیست که بدین منظور ، شماره حسابی در سطح جنبش کارگری ، اعلام می شود . تا قبل از این واقعه نیز ، کمیته دفاع از محمود صالحی ، کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی تهران و حومه ، کارگران شرکت پرسی سندج ، کارگران شرکت فرش غرب بافت سندج و برخی دیگر از تشکل ها و کارگران کارخانه ها ، با اعلام شماره حساب هایی ، برای جذب کمک های مالی از دیگر کارگران اقدام کرده بودند . آشکار است که مسائل و موضوعاتی را که جناب قاضی پرونده مطرح می کند صرفاً برای بهانه جویی و ایجاد دست آویز، جهت ایجاد تفرقه در میان کارگران و برهم زدن اتحاد طبقاتی آنان مطرح می شوند .

وانگهی مگر به گفته خود شما در " بیانیه " مورد نظر ، قاضی دادگاه علاوه بر موضوع " اعلام شماره حساب از طرف رئیس هیئت مدیره سندیکا " و مانور روی این مسئله ، به عنوان یکی از علت های عدم موافقت با مرخصی همسران شما ، داستان دیگری را نیز برای این باج خواهی ، تحت این عنوان که : " ... و قبلاً هم گروه های معاند جمهوری اسلامی ، به شما کمک کردند . و به همین دلیل ... با مرخصی همسرانتان موافقت نخواهم کرد " مطرح نکرده است ؟ با این قضیه و این ادعا چه می کنید ؟ آیا واضح نیست که ادعا و بهانه جویی قاضی پرونده ، صرفاً برای خالی نبودن عریضه و ادامه فشار به کارگران زندانی ، جهت ایجاد دو دستگی و تفرقه در میان آنان عنوان می گرد د ؟

به باور ما (کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری) آنچه قاضی دادگاه — و نه فقط او — بلکه بسیاری دیگر از عوامل و حامیان نظام سرمایه داری را خشمگین و غضب آلود کرده و موجب

تعجب، قاضی پرونده به ما گفت شماره حسابی از طرف رئیس هیئت مدیره سندیکا . . . اعلام شده است . . . لذا به همین دلیل ، تا آخرین روز حکم با مرخصی همسرانتان موافقت نخواهم کرد " و مهمتر اینکه تصمیم نگیریم که : " . . . هیچگونه مسئولیتی در قبال حساب نامبرده نداریم " . بلکه همچون آقای نجاتی و بسیاری دیگر از کارگران آگاه و پیشرو ، این ترفند ها را افشا کنیم و باز هم همچون علی نجاتی ، برای همبستگی و وحدت طبقاتی کارگران بنویسیم و بکوشیم و بکوشیم . برایتان آرزوی موفقیت و پیروزی در همه سئون زندگی و کار داریم .

کمپته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

25 آذر 1388

بعد التحریر !

پس از اتمام این نوشته ، به اطلاعیه ای از جانب آقای رضا رخشان برخوردیم که در نوع خود جالب و خواندنی است . آقای رخشان به عنوان یکی از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ، در این اطلاعیه به نکات مهم و قابل توجه ای اشاره کرده اند که قطعاً موجب خوشحالی و دلگرمی همه آنان خواهد شد که برای اتحاد و همبستگی طبقاتی کارگران ، به مثابه یکی از ابزار های رهایی کارگران از جهنم سرمایه و منجلا ب موجود ارزش و اعتبار قائلند . ما به خاطر اهمیت این نوشته ، عیناً آن را در ذیل می آوریم .

کمپته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری

1 دی 1388

ما یک خانواده هستیم

پس از دستگیری و زندانی کردن بخشی از اعضای هیأت مدیره سندیکای هفت تپه متأسفانه اعمال فشار از جانب مقامات به کارگران و خانواده های آنان افزایش یافته است. همکاران ما را از کار اخراج کرده اند و به خانواده های آنان نیز گفته اند که به دلیل افتتاح حساب و دریافت کمک مالی از طرف رئیس سندیکا هیچگونه مرخصی به کارگران زندانی تعلق نخواهد گرفت. این گونه اقدامات از جانب مقامات قضائی و دولتی و

نامه ای خطاب به " کارگران و تشکل های کارگری " می نویسد : " تا به امروز ، چهار نفر از اعضای هیئت مدیره سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه ، به نام های فریدون نیکو فرد ، جلیل احمدی ، قربان علی پور و محمد حیدری مهر روانه زندان شده اند و هم اکنون در زندان دزفول محبوس می باشند . دستگاه قضایی در چند روز آینده دوره حبس مرا نیز به من تحمیل خواهد کرد . " مگر ما چه کرده ایم ؟ " ما (کارگران) برای به دست آوردن حقوق خود و دفاع از مطالبات برحق کارگران هفت تپه و به دست آوردن کمترین امکانات معیشتی و حقوق انسانی تلاش کرده ایم ، اما محکوم و زندانی می شویم . . . "

او سپس از کارگران می خواهد که با توجه به چنین ستمگری آشکاری ، از هم طبقه ای های خود در هفت تپه ، دفاع کنند و به حمایت از آنان برخیزند : " امروز روز حمایت از کارگرانی است که در هفت تپه ، برای احقاق مطالبات کارگری تلاش کردند و از سوی کارگران هفت تپه ، به نمایندگی در یک تشکل مستقل انتخاب شدند و امروز تنها به خاطر دفاع از حقوق کارگری خود به زندان محکوم شده اند . " و . . . آیا پاسخ این دادخواهی و افشگری و این همه شهامت و صداقت و رفاقت کارگری ، بیانیه ای بود که شما خانواده های محترم انتشار داده اید ؟

*

خانواده های گرامی ! هم طبقه ای های شریف ! وقت آن رسیده است که ما نوع نگاه و انتظاراتمان را از نظام حاکم و دستگاه قضایی و محاکم و دادگاه هایی که کارگران و نمایندگان آنان را به بهانه های واهی و پوچ و در حقیقت برای ادای دین به سرمایه داران و تحکیم مناسبات نابرابر و کارگر ستیز سرمایه داری به بند می کشند ، نظامی که در آن کارگران از نقشی فرودست و دست چندم برخوردارند و به شدت استثمار می شوند ؛ به راحتی تحقیر می گردند و حقوقشان پایمال می شود ؛ از کار بی کار می شوند و به فقر و خانه خرابی کشانده می شوند ؛ سرکوب می گردند و به بهانه های واهی به اخراج از کار و شلاق و تبعید و زندان و . . . محکوم می گردند و . . . با واقعیت های حاد و جدی مبارزه طبقاتی ، هماهنگ سازیم . ما باید شناخت خود را نسبت به عینیت این مبارزه و ریاکاری ها و دو دوزه بازی های موجود در بین عوامل تثبیت و تحکیم این مناسبات کامل و کامل تر نماییم . تا از حرف و ترفند تفرقه افکنانه قاضی دادگاه شوکه نشویم و بلافاصله طی " بیانیه " ای ننویسیم که : " وقتی . . . برای پیگیری پرونده به دادگاه مراجعه کردیم . . . با کمال

مسئولین شرکت نه تنها مغایر با موازین انسانی است، بلکه همچنین با موازین قانونی کشور نیز مغایرت دارد.

در هیچ کدام از قوانین جزائی و کیفری مرخصی زندانی به اعمال پیش از دستگیری موقوف نشده است. به خصوص آنکه این اعمال کاملاً در چهارچوب قوانین رایج کشور صورت گرفته باشد. باز کردن یک حساب بانکی در یک بانک داخل کشور و اعلام رسمی و علنی آن در هیچ قانونی جرم به حساب نمی آید. اکنون قاضی پرونده با چنین بهانه‌هایی مانع مرخصی کارگران زندانی می‌شود و به این وسیله هم به زندانیان و هم به خانواده‌های آنان فشاری وارد می‌کند که بر خلاف موازین قانونی است. افتتاح یک حساب بانکی دستاویزی است برای اعمال فشار و اگر هم این حساب وجود نداشت، باز هم قاضی بهانه دیگری برای این کار پیدا می‌کرد. همچنان که در روزهای اخیر به تلاشهایی هم که برای جمع آوری کمک مالی برای خانواده‌های زندانیان شده‌اند نیز گیر داده‌اند. این رسم و رسوم حتی در تاریخ اسلام هم بی سابقه است. کارگران هفت تپه خواهان قطع فوری این فشارها بر خانواده زندانیان و دادن اجازه دیدار زندانیان از خانواده‌های خود هستند.

از طرف دیگر لازم میدانم تأکید کنم که علی‌نجاتی رئیس هیئت مدیره سندیکای ما است. ایشان بر مبنای قوانین رایج کشوری کاملاً و بدون هیچگونه مانعی حق افتتاح حساب بانکی را داشته و دارند. وجود نظرات متفاوت در این باره در سندیکا، مثل همه موارد دیگر، مسأله‌ای است در درون خانواده کارگری و هیچ خللی در مبارزه مشترک اعضای سندیکا برای یک زندگی بهتر وارد نمی‌کند. این اختلاف نظرها مانع از آن نیست که اعضای سندیکا یک‌دل و هم‌زبان حقوق حقه خود را طلب کنند. همه مخالفین اتحاد کارگران بدانند که حق سوءاستفاده از این‌گونه اختلاف نظرات را نخواهند داشت و ما کارگران چنین امکانی را برای آنان فراهم نخواهیم کرد و خود این اختلاف نظرات را به بهترین شکلی حل خواهیم کرد. چراکه مادر درون یک خانواده هستیم.

آزادی کارگران زندانی هفت تپه و همچنین سایر کارگران زندانی خواست همه ما است. همبستگی وسیع کارگران واحدهای دیگر و تشکلهای کارگری در روزهای اخیر نشان داد که این خواست همه فعالین کارگری است. ما یکبار دیگر بر

این خواست پافشاری نموده و اعلام میکنیم که مقامات بهتر است به جای اعمال فشار بر کارگران و خانواده‌های آنان، مطالبات برحق ما را پاسخ دهند. ما دستمزد مناسبی میخواهیم که به طور مرتب در ازاء کار ما پرداخت شود و برای خانواده‌های ما امکان یک زندگی شرافتمندانه را فراهم کند. ما آینده امنی برای فرزندان خود میخواهیم که مشاغل پدرانشان در خطر از بین رفتن قرار گرفته است. ما بهداشت مناسب، امکانات آموزشی مناسب، مسکن مناسب و زندگی همراه با حداقل تفریحات لازم را میخواهیم. زندان و فشار پاسخ این مطالبات نیست. 88/9/27

رضارخشان

در پی اخراجها و بیکار سازی عده کثیری از کارگران و زحمت کشان، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری بر آن شد تا با توجه با ناتوانی مالی کارگران در مراجعه به اداره کار و مراجع قانونی و عدم آگاهی از بندهای قانونی کار که کار فرمایان برای استثمار بیشتر کارگران از آنها استفاده می کنند، و در در راستای کمک به مبارزات کارگران دو تن از اعضای کمیته را جهت مشاوره رایگان معرفی نماید

محمود صالحی :

شماره تلفن: 09188747104

فاکس: 08743226577

جلال حسینی:

شماره تلفن: 09188753487

محل کار: 08743225994 :

سایت کمیته هماهنگی



کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل‌های کارگری
Coordinating Committee to Help
Form Workers' Organisation

پایدار باد همبستگی

کارگران



کمیته هماهنگی سرکوب اعتراضات مردمی را محکوم کرد

کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری روز جمعه 11 دیماه با صدور بیانیه ای سرکوب و کشتار مردم معترض در جریان اعتراضات ضد حکومتی روز یکشنبه 6 دیماه را محکوم کرد. در متن بیانیه کمیته هماهنگی آمده است هفته گذشته دور تازه ای از ضرب و شتم، بازداشت و کشتار در تجمعات اعتراضی مردمی تهران و برخی شهر های دیگر آغاز گردید. بدون تردید آنچه که امروز و در چند ماه گذشته در خیابان های شهرها شاهد آن بودیم عکس العمل طبیعی انسان های آزادیخواهی است که سال هاست حقوق اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آنان پایمال شده و به مطالبات شان پاسخی داده نشده است.

نابرابری در عرصه های مختلف اجتماعی از جمله نقض گسترده حقوق زنان، سرکوب خواست های کارگران، معلمان، دانشجویان، پرستاران و دیگر اقشار جامعه، بیکاری و فقر روزافزون، نابسامانی های متعدد و دهها مصائب دیگر نظام سرمایه داری، علت واقعی این اعتراضات است.

در بخش پایانی این بیانیه اعضای کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری ضرب و شتم، بازداشت و سرکوب تظاهرات اخیر را محکوم کرده و به خانواده های جانباختگان اعتراضات تسلیت گفته اند.

شنبه 12 دی ماه ۱۳۸۸ _ 2 ژانویه



تجمع اعتراضی خانواده ها در مقابل دادگاه اسلامی رژیم در تهران

روز دوشنبه 14 دیماه جمعیت کثیری از مادران، پدران، همسران و فرزندان بازداشت شدگان در مقابل دادگاه اسلامی رژیم در تهران تجمع اعتراضی بر پا داشتند.

به گزارش منتشره شمار زیادی از اعضای خانواده های بازداشت شدگان اعتراضات اخیر ضد حکومتی با اجتماع در مقابل دادگاه اسلامی رژیم خواستار اطلاع از وضعیت بستگان خود و آزادی فوری و بی قید و شرط آنان گردیدند.

دوشنبه 14 دی ماه ۱۳۸۸ _ 4 ژانویه 2010

اطلاعیه شورای زنان در محکومیت بازداشت مریم ضیا

روز یکشنبه 13 دیماه شورای زنان با صدور اطلاعیه ای بازداشت فعال حقوق کودک "مریم ضیا" را به شدت محکوم کرد.

در اطلاعیه شورای زنان ضمن اشاره به چگونگی بازداشت مریم ضیا همسر فعال کارگری "منصور حیات غیبی" آمده است اعضای شورای زنان ضمن محکوم کردن دستگیری "مریم ضیا" فعال حقوق کودکان خواستار آزادی فوری و بی قید و شرط نامبرده می باشند.

دوشنبه 14 دی ماه ۱۳۸۸ _ 4 ژانویه 2010

تحصن اعتراضی دانشجویان دانشگاه

رازی کرمانشاه

روز دوشنبه 14 دیماه دانشجویان دانشگاه رازی کرمانشاه با صدور بیانیه ای اعلام داشتند تا آزادی کامل دانشجویان بازداشتی این دانشگاه از



شرکت در امتحانات خودداری خواهند ورزید.

در بخشی از این بیانیه آمده است دامنه رفتارهای غیر انسانی در طول این مدت در دانشگاه رازی بسیار گسترده بوده اما نتیجه آن جز استوارتر شدن اراده هایمان چیز دیگری نبوده است. ما دانشجویان دانشگاه رازی اعلام می کنیم تا آزادی کامل تمامی هم کلاسی هایمان در جلسات امتحان شرکت نمی کنیم و همچنان به اعتراضات خود ادامه می دهیم.

دوشنبه 14 دی ماه ۱۳۸۸ _ 4 ژانویه 2010

اعتصاب کارگران در شبلی

روز دوشنبه 14 دیماه کارگران مجتمع "چوکویی کاماتا" در شبلی که دومین مجتمع بزرگ تولید مس در جهان به شمار می رود در



اعتراض به نازل بودن سطح دستمزدهای خود اعتصاب کردند. مجتمع چوکویی کاماتا تولید حدود 4 درصد مس استخراج شده جهان را به عهده دارد و اعتصاب کارگران این مجتمع موجب شد قیمت مس در بازارهای جهانی افزایش یابد.

دوشنبه 14 دی ماه ۱۳۸۸ _ 4 ژانویه